

غیرقانونی سازی مهاجران

محمدحسن کریمیان

پژوهشگر اجتماعی

این روزها بحث درباره اخراج مهاجران افغانستانی از ایران به اوج رسیده است. هرچند اخراج مهاجران افغانستانی یا معلق سازی حضور آن ها در ایران موضوعی تازه نیست اما این بار و در این مقطع از زمان، این اقدام به گونه ای بسیار متفاوت نسبت به گذشته و بدون در نظر گرفتن تجارب گذشته در حال پیگیری است و می تواند پیامدهای انسانی و اجتماعی فاجعه باری رقم بزند. طبق اعلام وزارت کشور، حدود شش میلیون مهاجر در ایران زندگی می کنند، که از این میان، حدود دو میلیون نفر به صورت غیرقانونی در کشور حضور دارند و حدود چهار میلیون نفر نیز دارای مدارک اقامتی متنوع هستند. حالا دولت تصمیم گرفته، علاوه بر حدود دو میلیون مهاجر غیرقانونی، دو میلیون از مهاجرانی را که دارای مدارک اقامتی (برگه سرشماری) بوده اند، به عنوان مهاجر غیرقانونی تلقی کند و در نتیجه زمینه اخراج اجباری چهار میلیون نفر را فراهم کند. با وجود همه اقدامات محدودکننده، دولت ها حدود ۴۰ سال گذشته تلاش گسترده ای برای بی اعتبار کردن مدارک رسمی و غیرقانونی سازی مهاجران انجام نمی دادند؛ موضوعی که در حال حاضر به صورت ویژه در دستور کار دولت چهاردهم قرار گرفته است. اما چنین سیاستی چه معنا و پیامدهایی دارد؟ صدور برگه های سرشماری در سال ۱۳۹۵، بیش از هر چیز در پی اجرای فرمان رهبری مبنی بر حق آموزش همه کودکان مهاجر و برای امکان دریافت برگه حمایت تحصیلی آغاز شد. در کنار این موضوع، دولت از مهاجرانی که در طول سال ها، مجوزهای قبلی شان به دلایلی مثل سفر به افغانستان باطل شده بود، دعوت کرد تا با ثبت نام در این طرح، امکان حضور قانونی در ایران پیدا کنند. در ادامه، توزیع سراسری واکسن کرونا و سایر مسائل مربوط به بهداشت عمومی نیز از جمله دلایلی شد که صدور برگه های سرشماری را افزایش داد. هر چند این طرح از همان ابتدا بسیار مبهم آغاز و معرفی شد، اما بستری برای خروج بسیاری از مهاجران از وضعیت نامرئی و شفاف شدن وضعیت شغلی، آموزشی و بعضاً مسائل مربوط به بهداشت و درمان شان فراهم آورد. با این همه و در همان دوران، بسیاری از مهاجران و فعالان این عرصه به ثبت نام و اعلام مشخصات در این طرح، به دیده تردید می نگریستند، چرا که باتوجه به اعلام نشدن برنامه بلندمدت دولت در این موضوع، امکان استفاده از این رسمیت بخشی ناقص را در راستای ایجاد محرومیت ها و اقدامات قهری در آینده پیش بینی می کردند. حال، تمدید نشدن یکباره برگه های سرشماری، مهر تأییدی بر پیش فرض بی اعتمادی بر اقدامات دولت زده است و در ادامه، مشارکت افراد برای شرکت در هرگونه طرح شناسایی یا بازگشت داوطلبانه را منتفی می کند. طرح کنونی به صورت حیرت آوری بر این پیش فرض استوار است که مهاجران افغانستانی با اختیار تمام، نه به صورت اجباری به ایران مهاجرت کرده اند و بر همین اساس بازگشت شان به افغانستان با سهولت امکان می گیرد. این در حالی است که فراتر از بحران اقتصادی در افغانستان، محدودیت های شدید وضع شده از سوی طالبان در خصوص زنان و فشار و اعمال خشونت بر اقلیت های قومی و مذهبی، مانعی جدی برای حضور افراد در آن کشور است. آخرین پیمایش در زمینه تمایل مهاجران برای حضور در ایران نشان می دهد، نزدیک به ۸۳ درصد جوانانی که به صورت غیرقانونی در ایران زندگی می کنند، برنامه ای برای حضور بلندمدت در ایران ندارند. این آمار به این معناست که بسیاری از مهاجران افغانستانی گزینه ای جز حضور در ایران برای شان ممکن نیست و در صورت وجود حداقلی از شرایط مطلوب، به افغانستان یا سایر کشورها خواهند رفت. باتوجه به این موضوع، پیش بینی می شود اجرای صدر صدی این تصمیم به مشکلاتی برای نیروهای انتظامی منتهی شود. در کنار این موضوع و با نگاه به گذشته می توان پیش بینی کرد که اخراج اجباری گسترده مهاجران مسالوی با ورود گسترده مهاجران از طریق شبکه های غیررسمی است. اما حضور مهاجران افغانستانی در ایران را نباید صرفاً از زاویه شرایط موجود در افغانستان بررسی کرد. بخش مهمی از استدلال حامیان این طرح و طرح های مشابه، به فرصت های شغلی ای اشاره دارد که توسط افغانستانی ها از ایرانیان ربوده شده است. این در حالی است که طبق آخرین اظهار نظر مدیرکل اشتغال اتباع خارجی: «در ۱۵ استانی که اتباع افغانستانی حضور دارند، نرخ بیکاری بسیار کمتر از استان هایی است که حضور و ترددشان در آن ها ممنوع است. همچنین در اغلب مشاغل، نیروی کار اتباع، جایگزین نیروی کار ایرانی نیست؛ بلکه مکمل بازار کار ایران هستند.» در طول سال ها، جامعه ایران با قرار دادن مهاجران افغانستانی در پایین ترین لایه های جایگاه اقتصادی و اجتماعی، بهره بسیاری از نیروی کار آنها برده است. کار با دست مزد پایین، ساعت های طولانی، امکان حضور شبانه روزی و قدرت چانه زنی بسیار پایین از جمله مزیت هایی است که پیمانکاران ایران را به استفاده از نیروی کار مهاجر متمایل می کند. در صورتی که اقتصاد ایران از نیروی کار مهاجر بهره مند نبود، هزینه های تولید کننده و در نتیجه قیمت کالاها در این صنایع تحت تأثیر جدی قرار می گرفت و ارزش افزوده ای که تولیدکنندگان صرفاً به دلیل شرایط این نیروی کار از آن بهره مند بودند، در نقاط دیگر زنجیره تولید و مصرف خود را نشان می داد. در چنین شرایطی، آینده ای با افزایش تعداد مهاجران غیرقانونی، افزایش بیش از پیش شبکه ها و نهادهای غیررسمی و کاهش هر چه بیشتر حاکمیت قانون در ایران بسیار قابل پیش بینی است.

عدالت جنسیتی از دستور خارج شد

گفتارهایی از دو معاون پیشین امور زنان رئیس جمهوری درباره راه سخت برداشتن تبعیض های جنسیتی



سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

تدوین شاخص های عدالت جنسیتی در یک سند بالادستی ملی، برای اولین بار در برنامه ششم توسعه و دولت دوازدهم انجام شد؛ تصمیمی که از نگاه برخی نقطه عطفی در زمینه عدالت جنسیتی در ایران است که تا امروز اجرایی نشده، همچنان ۳۱ سند استانی آن در بایگانی استانداری ها خاک می خورد و هنوز نشانه ای از پیگیری آن در دولت چهاردهم دیده نمی شود؛ دولتی که با شعار حق، عدالت و پیگیری حقوق زنان به صحنه آمد. عدالت جنسیتی در هر دولت، با رویکرد متفاوتی دنبال شد؛ نمونه آن دولت سیزدهم بود که اعتقاد داشت شاخص عدالت جنسیتی گنجانده شده در برنامه ششم توسعه، دیگته شده از مجامع بین المللی است و حتماً باید تعدیل شود. معاون زنان و خانواده دولت سیزدهم، یعنی انسیه خزعلی هم تأکید می کرد که باید به سمت عدالت فراگیر حرکت کرد چون این مفهوم بالاتر از عدالت جنسیتی است. انسیه خزعلی، معاون زنان و خانواده دولت پیشین تأکید می کرد در عدالت جنسیتی فقط زن و مرد دیده می شود در حالی که فراگیرتر از عدالت جنسیتی، عدالت در خانواده و نسبت به کودکان و اعضای خانواده و نقش هایشان است که باید مورد توجه قرار گیرد. در گزارش جهانی شکاف جنسیتی ۲۰۲۴، ایران در بین ۱۴۶ کشور ارزیابی شده، در رتبه ۱۴۳ قرار دارد که نشان دهنده شکاف جنسیتی قابل توجهی است. حالا این روند تاریخی تلاش برای تحقق این شاخص ها در کشور، در سلسله نشست های اقدامات و تحولات برای عدالت جنسیتی بررسی می شود و دومین نشست آن روز دوشنبه از سوی موسسه مطالعات و تحقیقات زنان برگزار شد. در این نشست معصومه ابتکار و شهیندخت مولاولردی، دو معاون زن ریاست جمهوری در دولت های یازدهم و دوازدهم و لیلا فلاحتی، معاون امور بین الملل معاونت زنان و خانواده دولت دوازدهم درباره فرآیند اجماع سازی، اطلس وضعیت زنان و شاخص های عدالت جنسیتی گفت و گو کردند.

حکایت سنگ اندازی ها



معصومه ابتکار، معاون امور زنان و خانواده دولت دوازدهم در این نشست روند تدوین شاخص های عدالت جنسیتی و به خورد آن با دیدگاه های مختلف را توضیح داد و از جریان های مخالف آن گفت. او گفت که با وجود تأکیدها بر این که شاخص های عدالت جنسیتی برگرفته از مفاهیم دینی و قرآنی است، اما مخالفان تلاش می کردند هم ادبیات آن تغییر کند، هم از لفظ عدالت جنسیتی استفاده نشود.

ابتکار در ادامه به آخرین گزارش جهانی شاخص های برابری جنسیتی و میزان پیشرفت در اهداف توسعه پایدار در سال ۲۰۲۵ پرداخت و گفت: «این گزارش جهانی نشان می دهد اگر با روند فعلی در دنیا پیش برویم، شاید نزدیک به ۳۰۰ سال زمان لازم داریم که عدالت با برابری

جنسیتی در دنیا محقق شود. گزارش ناامیدکننده است و نشان می دهد، دنیا هم از نظر تحقق شاخص های عدالت جنسیتی وضعیت خوبی ندارد. برخی وقایع هم مثل جنایت های رژیم صهیونیستی در غزه ما را از نظر بسیاری از شاخص ها و ارزش ها به قهقرا برده است. الان صحبت از حقوق بشر زنان در شرایطی که روزانه تعداد زیادی زن و کودک غیرنظامی کشته می شوند، بسیار سخت است. نزدیک دو سال است که مردم غزه، لبنان و کرانه باختری در بدترین شرایط از نظر امکانات اولیه زندگی می کنند. در عرض دو سال، در شاخص های جهانی سقوط کردیم.»

به گفته او در این گزارش نوشته شده است که در بحث راهبری و حضور زنان در عرصه های سیاسی، در دنیا از هدف گذاری ها عقب مانده ایم و فیزیکی از عوامل اصلی این مسئله است و فاصله بین فقیر و غنی در دنیا هنوز ادامه دارد. علاوه بر این در این گزارش گفته شده که هدف گذاری های خوبی از نظر رفع تبعیض انجام شده اما این معضل هنوز در دنیا وجود دارد. زنان در کار بدون مزد، بیشترین سهم را دارند و فرهنگ های قشری در دنیا همچنان به زنان آسیب می زند و مانع پیشرفت آنها می شود.

ابتکار اضافه کرد که ما در ایران در زمینه آموزش و بهداشت گام های خوبی برداشتیم و وضعیت آن نسبت به شاخص های دیگر بهتر است، اما در دنیا این شاخص هم دچار مشکل شده است: «خشونت حتی در بسیاری از کشورهای صنعتی دنیا هم حل نشده و مسئله ای بسیار جدی است و هنوز مورد توجه بسیاری از فعالان حقوق بشر است. دولت های جهان روز به روز بودجه های جنگ و نظامی خود را بالا می برند، اما وقتی به برنامه های زنان می رسد، می گویند بودجه نیست. در این گزارش جهانی هم قید شده که این موضوع نیز عاملی اصلی در عقب ماندگی در این حوزه است و در بسیاری از کشورهای دنیا، قوانین مانع پیشرفت و برابری جنسیتی است.»

آنطور که معاون زنان و خانواده دولت دوازدهم از این گزارش توضیح داد، از نظر مسائل محیط زیستی و دسترسی نداشتن به انرژی های پاک و آلودگی های محیط زیست هم زنان در خط مقدم آسیب ها از این ناحیه قرار دارند: «باید بدانیم این مسائل، خاص ایران نیست و جهانی است و در قالب فرهنگ خود، فرهنگ دینی خود و سابقه تاریخی کشور خود باید به آنها نگاه و حرکت خود را ارزیابی کنیم، همچنین برای اجرایی سازی این برنامه ها و سیاست ها راهبرد داشته باشیم. در کنار روند جهانی، باید گفت حالا که ما چالش های مربوط به عدالت جنسیتی را داریم، نگاه امام به عنوان بنیان گذار انقلاب اسلامی نسبت به عدالت جنسیتی چه بود؟ این بحث چالشی است؛ چون عده ای از ابتدای انقلاب مخالف حضور زنان و نگاه عدالت و برابری جویانه نسبت به زنان بودند، در حالی که تأکید امام بر مردسالاری دینی و حضور زنان بود. حتی در دوره ای که در نوفل لوشاتو بودند، نگاه شان به بسیاری از هم طیفان معاصر خود خیلی مترقی بود و همین برای نسل جوان جذاب بود که یک روحانی دینی نسبت به حقوق

زن نگاهی عدالت جویانه، انسانی و متعالی دارد. ما از صحبت های امام در این باره، همراهی نکردن با نگاه های واپس گرایانه در آن دوره و مقاومت شان در برابر صداهایی را که از امام می خواستند اجازه ندهند زنان به راهپیمایی های آیند و صدای شان به دلیل نامحرم بودن شنیده نشود، می دیدیم.»

ابتکار از اقدامات دولت های یازدهم و دوازدهم در زمینه تدوین شاخص های عدالت جنسیتی و تلاش های انجام گرفته در سال های قبل از آن گفت: «دولت بعد خیلی اعتقادی به این مسائل نداشت و در بسیاری از این زمینه ها فراز و فرود داشتیم. تا اینکه به سال ۹۲ و دولت آقای روحانی رسید. اشاره به مسئله عدالت جنسیتی در برنامه ششم توسعه و در دوران خانم مولاولردی، اتفاق بسیار مهمی بود. برنامه ای که در ادامه راه در سال ۹۶ سعی کردیم ادامه دهیم، تدوین شاخص های عدالت جنسیتی همراه با اجماع سازی بود. ما سعی کردیم این اجماع را به وجود بیاوریم.» ابتکار از سنگ اندازی ها در مسیر تدوین شاخص های عدالت جنسیتی و نگاه های سیاسی در این حوزه گفت: «ستاد ملی زن و خانواده، فرایختی و فراقوه ای است و علاوه بر اینکه نمایندگان دولت در آن حضور دارند، نماینده قوه قضائیه، مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی هم عضو ستاد زن و خانواده اند. البته در مأموریت های ستاد هم تغییراتی رخ داد و رویکردهای سیاسی بر آن غالب است و کارشناسی نیست، ولی در این ترکیب سعی کردیم موضوع عدالت جنسیتی و شاخص های آن را با نشست های تخصصی و جلب نظر همه دیدگاه ها اعمال کنیم، در نهایت برخی راضی نشدند و از جای دیگری به آنها فشار وارد می شد که این بحث را طولانی کنند، یکی از اهداف این بود که این بحث طولانی شود و به نتیجه نرسد. در حوزه زنان یکی از گرفتاری های ما همین است: کارهای شغری، تشریفاتی و مناسبتی غلبه دارند. این ها نمی توانند مشکلات زنان را هدف قرار دهند، به نتیجه برسند و باز خورد و گزارش گیری شود.»

او اضافه کرد که هدف آنها در دولت این بود که اطلس وضعیت زنان را به یک برنامه تبدیل و در نهایت شاخص هایی تعریف شود تا تغییراتی در حوزه های آموزش، بهداشت، حقوق زنان و بخش های دیگر ایجاد شود. او توضیح داد اینکه بعدها مخالفت ها شروع شد، دلیلی بر این نیست که برای اجماع تلاش نکردیم. با همه طیف های فکری گفت و گو و سعی کردیم تا جایی که به روح کار آسیب نرسد و این اجماع اتفاق بیفتد. او همچنین روایت می کند که بعد از تصویب شاخص های عدالت جنسیتی در ستاد ملی زن و خانواده و باز تصویب آن در دولت چه اتفاقی هایی افتاد: «ما یک مرز حله تصویب مجدد هم در دولت داشتیم و اینجا بود که برخی مخالفت ها با اشاره به مسائل دینی و خانواده شروع شد؛ در حالی که یک بند از شاخص های عدالت جنسیتی به خانواده و چند محور به مباحث اعتقادی و باورهای دینی می پردازد اما با طرح این مسائل می گفتند شما به مسائل اعتقادی و دینی توجه ندارید و برگرفته از

